

تحلیل اثر بحران کرونا در رفتار سیاسی جامعه بر پایه ی غریزه مرگ فرویدمهدی مزینانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۴

محمدرضا مایلی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۹

چکیده

رفتار سیاسی یک جامعه همواره متأثر از عوامل گوناگونی بوده است که موجب شده تغییراتی در زمینه رفتار افراد ایجاد شود. بحران کرونا نیز که در حال حاضر جوامع با آن روبه‌رو هستند، موجبات دگرگونی را در این بعد از رفتار ایجاد کرده است. اما در این بین قطعاً عوامل دیگری دخیلی هستند که تأثیر بحران کرونا را بر رفتار سیاسی جامعه تسهیل می‌بخشند. بنابر این دیدگاه، این پژوهش قصد دارد اثر بحران کرونا در رفتار سیاسی جامعه بر پایه ی غریزه مرگ فروید، را مورد تحلیل قرار دهد. روش مورد استفاده در این پژوهش کتابخانه‌ای است و سعی شده است با استفاده از منابع بروز، نتیجه‌ای قابل استناد ارائه گردد. در پژوهش فوق سه فرضیه مطرح شده که نتایج هر سه فرضیه را مورد تأیید قرار داد. طبق نتایج ارائه شده رفتار سیاسی جامعه متأثر از سیاست‌هایی است که در هر زمان توسط سیاستمداران اتخاذ می‌گردد. این سیاست‌ها موجب می‌شوند که افراد فعالیت سیاسی داشته باشند یا منزوی شوند. در شرایط حاضر جامعه افراد انزوا را انتخاب کرده‌اند و از جامعه کنار کشیده‌اند. سکون و منزوی شدن و یا کناره‌گیری از جامعه از نشانه‌های غریزه مرگ فروید است. در نتیجه می‌توان بیان کرد که غریزه مرگ فروید در ارتباط بین رفتار سیاسی جامعه و بحران کرونای نقش میانجی را دارد.

واژگان کلیدی: بحران، کرونا، رفتار سیاسی، جامعه، غریزه مرگ فروید

^۱ گروه علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.mazinani55@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

بشریت از نخستین لحظه‌ای که پا به عرصه نهاد، نظاره‌گر بحران‌های بسیاری بوده است. از جنگ بر سر بقا با حیوانات درنده گرفته تا جنگهایی که بر سر موقعیت جغرافیایی با هم‌نوعان خود داشته‌اند. این بحران‌ها موجب شده‌اند که انسان در هر زمان رویکرد خاصی به زندگی داشته باشد و بر این اساس رفتارهایی از خود نشان دهد که متناسب با موقعیت باشد. به عنوان مثال گاهی انسان مجبور بود سکوت اختیار کند تا از گزند دشمن در امان باشد اما گاهی نیز باتمام قوا در صحنه جنگ آماده می‌شد.

این عملکرد انسان گرچه امری اختیاری بود و انسان هر زمان که می‌خواست می‌توانست رویکرد متفاوتی در پیش بگیرد، اما تا حدودی متأثر از شرایط سیاسی نیز بود. همان‌طور که بیان شد این شرایط است که انسان را وامی‌دارد تا رفتار خاصی را از خود نشان دهد. گاهی شرایط سیاسی موجود در یک کشور یا یک جامعه موجب می‌شود که انسان فعال و پویا باشد و گاهی نیز موجب می‌شود که انسان منزوی گردد.

حال اگر این شرایط سیاسی توسط یک موقعیت دیگر تقویت شود، وضعیتی شکل می‌گیرد که موجب ایجاد تنش می‌شود. نمونه این امر را می‌توان در جوامع کنونی مشاهده کرد. بحران کرونا موجب برهم خوردن نظم کشورها و ایجاد دگرگونی در رفتار جامعه شده است. جوامع به دلیل مقابله ناگهانی با این بحران نتوانستند خود را برای رویارویی با آن آماده کنند. در این خصوص پژوهش‌های متفاوتی صورت گرفته است.

حاجی‌ده آبادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان کردند که بحران کرونا موجب بحران سیاست جنایی شده است و اگر چاره‌اندیشی لازم نشود ممکن است این بحران منجر به مشروعیت بخش مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی شود که نتیجه آن تحدید روزافزون آزادی‌های فردی و افزایش خودکامگی دولت‌ها خواهد بود. پیشوائی (۱۳۹۹) نیز بیان کرده است که بحران کرونا از لحاظ تلفات و آسیب، شبیه جنگ جهانی دوم است.

نوحی و همکاران (۱۳۹۹) مطرح کردند که سلامت معنوی و مقابله مذهبی می‌تواند اضطراب مرگ را در بیماران مبتلابه کرونا پیش‌بینی کند و با تقویت ابعاد معنویت می‌توان اضطراب مرگ ناشی از بیماری را در بیماران مبتلابه کرونا کاهش داد. محدث

اردبیلی، جوادیان، آزادمنش و مکیان، (۱۳۹۸) بیان کردند که در عصر حاضر باوجود فناوری پیشرفته، علاوه برافزایش رفاه اجتماعی گاهی انسان را دستخوش تغییراتی می‌کند. بیماری کرونا شاید به نوعی محصول همین پیشرفت صنعتی باشد. گرچه هنوز برای تشخیص علل بیماری زود است و گمانه‌زنی‌های مختلف، انتقال آن از خفاش به انسان یا حتی جنگ بیولوژیکی را دور از ذهن در نظر نمی‌گیرد ولی آنچه حائز اهمیت است ابتدا تعریفی کلی از این بیماری هست که باید با دقت صورت گیرد تا نیا به مداخلات مؤثر آن پرداخته شود.

محمدی، (۱۳۹۸) در پژوهش خود بیان کردند که کرونا تأثیر منفی بر اقتصاد دولت‌ها گذاشته است و این امر ربطی به پیشرفته یا غیر پیشرفته بودن جوامع ندارد. ایالت متحده امریکا و اروپا که سرآمدان پیشرفت شناخته می‌شوند در این زمینه ضررهای بسیاری را متحمل شده‌اند و این امر نشان می‌دهد که بحران کرونا به عنوان یک ویروس فلج‌کننده، پایه‌ها زندگی جامعه را در کلیه جنبه‌ها تحت تأثیر قرار داده است.

ایروپل، (۲۰۲۰) در پژوهش خود بیان کرد که در زمان کرونا سیاست‌ها ضعیف عمل کرده و این عمل موجب شده است که جرائم افزایش یابد. مانند افزایش جرائم در زمینه جرائم مالی، کلاهبرداری و سایبری.

ژانگ و همکاران، (۲۰۲۰) در مقاله خود ضمن بیان توضیحاتی در مورد ویروس کرونا، به اثراتی که این ویروس بر زندگی گذاشته است توجه شد. ضمن اینکه بیان شده است که اثرات این ویروس زمانی آشکارتر می‌شود که ویروس از لحاظ ظاهری مهار شود. در این زمان مسائل روانی، سیاسی و اجتماعی بروز می‌یابند و باید برای آنها چاره اندیشیده شود.

با توجه به پیشینه مطرح شده و آنچه در سایت‌های تحقیقاتی مطرح و معتبر مشهود بود، مقالات بسیاری در مورد اثرات کرونا نگارش شده است. اما آنچه به چشم می‌خورد این است که بیشتر بر مسائل زیستی تأکید شده است و مسائل روانی، سیاسی و اجتماعی نادیده انگاشته شده است. لذا اولین نقطه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در این است که ارتباط بین روابط سیاسی و بحران کرونا را مورد تحلیل قرار داده است. دیگر این که بحث غریزه مرگ، که سررشته طولانی در مباحث روانکاوی داشته است، از جمله مباحثی است که در مورد بیماری‌ها و بحران‌هایی که درصد بالایی

از جمعیت را درگیر می‌کند، صحبت بسیاری دارد. زمانی که از بحران کرونا صحبت می‌کنیم و قصد داریم اثرات آن را بررسی نماییم، باید مطابق با یک نظریه این تحلیل صورت گیرد تا بتوان به آن استناد کرد. در این زمینه نظریات فروید و بحث غریزه مرگ وی می‌تواند بسیار راهگشا باشد چراکه در این بحران، مسئله مرگ و اضطراب آن، مسئله‌ای است کلیه امور مادی و معنوی و روابط بشر را تحت تأثیر قرار داده است. لذا دومین جنبه تمایز این پژوهش با آنچه در گذشته مطرح شده است در این است که مبنای کار خود را یک نظریه اصیل و مستند قرار داده است.

طرح مساله

رفتار سیاسی جامعه یعنی مجموعه فعالیتهایی که افراد در مقابل جامعه و سیاست های اتخاذ شده در آن از خود نشان می‌دهند. این رفتار از یک جامعه به جامعه دیگر با هم متفاوت است. رفتارهای سیاسی، رفتارهایی هستند که در شرح وظایف فرد پیش‌بینی نشده‌اند و یک فرد می‌کوشد با تکیه بر آنها، بر دیگران نفوذ کرده و روی آنها تأثیر بگذارد.

امور سیاسی به عنوان شکل خاصی از فعالیت انسان، مستقل از رفتار سیاسی او نمی‌باشد. بر این اساس، هدف اولیه تحلیل رفتار سیاسی، مرتبط ساختن امور خاص سیاسی با دیگر ابعاد روابط اجتماعی است. تجزیه و تحلیل این رفتار به برخی روش‌ها، قواعد تحقیق و نظم خاص علوم سیاسی بازمی‌گردد؛ که چهار نتیجه کلی را دربردارد:

اولین نتیجه این است که تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی، رفتار فردی اشخاص را در معنای وسیع ذهنی در نظر می‌گیرد؛ به نحوی که نه تنها اعمال او، بلکه جهت‌گیریها، درخواستها، انتظارات و ارزیابیهای او به عنوان یک داده تجربی، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

دومین نتیجه این است که تحلیل رفتار سیاسی، چارچوبی از «خواسته‌ها» به وجود می‌آورد؛ که بین علوم رفتاری به ویژه انسان‌شناسی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مشترک است. از آنجا که رفتار سیاسی آدمی، تنها جنبه‌ای از رفتار کلی او به عنوان یک موجود اجتماعی است، تحلیل رفتار سیاسی باید مبتنی بر «نظم متقابل علوم رفتاری» باشد و این تحلیل نمی‌تواند از زمینه گسترده‌تری که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد؛

غفلت کند. بنابراین هر تحلیل، باید آثار و عوامل اجتماعی، فرهنگی و شخصی تاثیرگذار بر رفتار سیاسی را در نظر بگیرد.

سومین نتیجه این است که تحلیل رفتار سیاسی، فرضیه های تئوریک را درباره امور سیاسی به همراه دارد؛ که سرانجام به اصول بر می گردند؛ اگر چه هدف یک پژوهش تجربی، رسیدن به یک فرمول عملی است. تحلیل رفتار سیاسی، تئوری یا فرضیه های مبتنی بر تجربه را می طلبد؛ که در یک حوزه عملی ویژه، سیر تئوریک سیاست را نشان بدهد. وقتی مطالعه موردی خاصی، در سیر تئوریک یا تجربی صورت می گیرد؛ بستگی به گرایشهای پژوهشگر و سهولت دسترسی به حوزه تحقیق ارائه شده، دارد. آخرین دستاورد این است که در تحلیل رفتار سیاسی، باید روشها و تکنیکهای تحقیقی ای را انتخاب کرد؛ که فرمولهای تئوریک و فرضیه های تجربی را در دقیق ترین صورت ممکن، به منظور توضیح و آزمایش فرضیه ها به کار گیرد.

در ایران این رفتارها در فعالیتهای خاصی مانند انتخابات خلاصه می شود. این رفتارها در هر زمان تحت تاثیر عوامل موجود در جامعه، سیاست گذاری ها، بحران ها و چالش ها قرار میگیرد. در زمان جنگ بین ایران و عراق، رفتار سیاسی جامعه نهایت مشارکت را در بر داشت چرا که سیاست موجود در جامعه به نحوی طراحی شده بود که همه افراد به صورت فیزیکی در جامعه حضور داشته باشند و وارد عرصه نبرد شوند. تشویق سیاسیون و فعالین در زمینه سیاست بر این بود که جامعه مستقیماً وارد صحنه شوند و از کشور خود دفاع کنند. جامعه نیز بنابر جو موجود در جامعه، مطابق با آنچه خواسته شده بود رفتار کردند و نتیجه آن را در امار بالای شهدای ایران در ۸ سال دفاع مقدس می توان مشاهده کرد.

اما در دوران دیگری بنابر سیاستهای موجود در جامعه، جامعه رفتار خود را تغییر دادند. یکی از این برهه های زمانی، قرار گیری در بحران کرونا است. بیماری کرونا ویروس، یک بیماری تنفسی است که توسط یک ویروس در بدن ایجاد می شود. این بیماری اولین بار در سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین شناسایی شد. محققان بیماری کرونا را جزء بیماری های عفونی قلمداد کرده اند که علائمی مانند تب، سرفه خشک، خستگی و تنگی نفس را در فرد ایجاد می کند. طی اولین تحقیقات در چین مشخص شد که ۱۸/۵ درصد از بیماران مبتلا به کرونا، به مرحله شدید می رسند. این بیماری با سندروم اختلال

تنفسی، شوک سپتیک، اسیدوز متابولیک و خونریزی و عملکرد انعقادی مشخص می‌شود (ژونگ، لو، لی و همکاران: ۲).

علت اصلی انتقال این ویروس بعد از گذشت یک سال هنوز نامشخص است و هر روز نوع جدیدی از آن در کشورها نمود پیدا می‌کند اما طبق نظرات محققین، این ویروس چیزی شبیه ویروس سارس است که می‌تواند از طریق حیوان به انسان انتقال یابد (پاول و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). طبق درصد تخمین دانشمندان، هر مورد کرونا ویروس می‌تواند ۴ نفر را آلوده کند. همچنین آمار مبتلایان به ویروس کرونا بعد از ۱۷ ژانویه در مقایسه با نیمه اول ژانویه سال ۲۰۲۰، ۲۱ برابر افزایش یافته است (ژانو، ۲۰۲۰). میزان مرگ‌ومیر ناشی از ویروس کرونا توسط سازمان بهداشت جهانی، ۲٪ گزارش شده است (نیشارا، ۲۰۲۰: ۳).

انواع جدیدی از این نوع ویروس که موجبات ترس و اضطراب و ایجاد خلل در زندگی را ایجاد کرده است، ویروس کرونای انگلیسی و نوع جدیدتر، ویروس کرونای آفریقای جنوبی است که دانشمندان را دچار سردرگمی کرده است. آزمایشات بالینی در زمینه تولید واکسن برای آن ویروس، تا کنون با شکست مواجه شده است. شرکت فایزر، که اعلام کرد آزمایشات بالینی را با موفقیت پشت سر گذاشته است نتوانست در تست انسانی موفقیتی کسب کند. چندین شرکت دیگر نیز در حال آرایش بر روی واکسن کرونا می‌باشند از جمله جمهوری اسلامی ایران که تا کنون توانسته است در کلیه آزمایشات موفق باشد. این امر نشان می‌دهد، با ویروسی مواجه هستیم که قدرتمند است و می‌تواند زندگی انسان را با اختلال جدی روبه‌رو کند.

تا به اینجا، تماماً از آسیب‌هایی گفته شد که ویروس کرونا به جسم وارد می‌کند. اما آنچه از ذهن دورمانده است این نکته است که ویروس کرونا علاوه بر جسم، ذهن و اندیشه افراد را نیز آلوده می‌کند. وقوع ویروس کرونا در جهان موجب یک اضطراب همگانی شد. اضطرابی که نتیجه آن را می‌توان در رکود اقتصاد، افزایش مشکلات روانی، تعطیلی کارخانه‌ها، ورشکستگی سرمایه‌داران و فعالین اقتصادی و ... مشاهده کرد. تمامی این موارد نشان می‌دهد که چرخ‌ها اقتصاد و در نتیجه چرخ‌های سیاست کشورها در حال رکود است.

در زمان حال به دلیل بحران کرونا که در جامعه موجب ایجاد سیاستگذاری های جدید شده است، جامعه رفتار جدیدی از خود نشان داده اند. بر این اساس می توان این فرضیه را مطرح نمود که هر زمان سیاست های موجود در جامعه تغییر کرد، رفتار سیاسی جامعه نیز تغییر می کند. حال این تغییر رفتار قطعاً دارای عواملی است که دگرگونی را تسهیل می کنند. در این باره نظریاتی بسیاری را می توان مورد سنجش قرار داد.

یکی از این نظریات، غریزه مرگ فروید است. فروید دو نوع غریزه را برای انسان تعریف کرد به نام غریزه لذت و غریزه مرگ و بیان کرد که بشر با این غرایز متولد می شود اما گرایش به غریزه مرگ در انسان بیشتر است. انسان از هر مسیری قصد دارد که به سمت مرگ سوق یابد. این امر گاهی با رعایت نکردن بهداشت خودش را نشان می دهد گاهی با انزوا و ریاضت و گاهی نیز به شکل خودکشی نمود می یابد.

هسته مرکزی کلیه امراض نوروتیکی غریزه مرگ است. چون طفل بشر نمی تواند جدائی از مادر را تحمل کند این غریزه به ظهور می رسد. از دید فروید جدائی از مادر به تمام جانداران فردیت و محدودیت می بخشد و همه آنها را به طرف مرگ سوق می دهد. جریان زندگی و جریان مرگ باهم شروع می شوند. ناتوانی بشر در قبول مرگ و در تأیید زندگی، در واقعه تولد و آنچه که روانکاوی، بحران تولد می نامد، شروع می شود. این خاصیت انسانی ریشه در ذات طبیعی انسان دارد.

فروید چنین استدلال کرد که غریزه های صیانت ذات و بقای نسل اگرچه اهداف فوری متفاوتی دارند هر دو در نهایت به سمت رشد و زندگی جهت گیری شده اند و هر دوی آنها را در چارچوب غریزه زندگی طبقه بندی کرد و سپس این سؤال را مطرح می کند که چه چیز ما را بر آن می دارد که در خلاف جهت آن عمل کنیم. او در اینجا به غریزه مرگ اشاره می کند. از آنجاکه زندگی از حالتی بی جان برخاسته، موجود زنده تمایل به بازگشت به همان حالت اولیه خود دارد. باید یک تمایل بنیادی و ناخودآگاه به سوی مرگ از آغاز تا پایان زندگی موجود باشد. در تأیید گفته های خویش در مورد غریزه مرگ به پدیده تکرار در رفتارهای انسان و مفهوم تکرار وسواس گونه اشاره می کند.

هرگاه غریزه مرگ وجود داشته باشد باید خود را در احساسات و رفتار بشر نشان دهد. اینجا فروید از خودشیفتگی مثال می‌آورد. همان‌طور که لیبیدو در درون موجود ایجاد شده اما خود را به موضوع خارجی متصل می‌کند همین مطلب در مورد غریزه مرگ نیز صادق است. این پدیده بیشتر اوقات خود را نه به صورت تمایل به مردن بلکه به شکل تمایل برای کشتن نشان می‌دهد و یافتن چیزی در خارج برای تخریب، لزوم از بین بردن خود شخص را منتفی می‌کند اما زمانی که در این تهاجم به سمت خارج با شکست مواجه شود به سوی خود فرد متوجه می‌شود که به صورت گرایش به خودکشی محدود نشده بلکه انواع ملایم‌تر خشونت چه هنگامی که به سمت خارج متوجه‌اند و یا به سمت درون، فرد را برمی‌گیرد و خود کیفردهی و محکوم کردن خود و چشم و هم‌چشمی و سرکشی در مقابل مرجع قدرت را شامل می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ۴۸).

تعریف مفاهیم اصلی

غریزه مرگ فروید: تاناتوس وازه‌ای که فروید از آن برای نامگذاری غریزه مرگ استفاده کرد. نیروی این غریزه موجب تخریب یا به پایان رساندن حیات است. فروید اعتقاد داشت تمام رفتارهای انسان از بازی پیچیده میان غریزه مرگ با غریزه زندگی و تنش و کشمکش دائم میان آنها زاده می‌شود (فروید، ۱۹۱۹: مترجم، هوشمند ویژه ، ۱۳۹۸).

رفتار سیاسی: رفتار سیاسی در سازمان شامل اعمال آگاهانه‌ای است که برای نفوذ بر افراد یا گروه‌ها به منظور دستیابی یا حفاظت از منافع خود به هنگام وجود راه حل‌های متضاد صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۹۰).

کرونا: نام کرونا ویروس برگرفته از ظاهر تاج خورشیدی ناشی از این اسپایکها است. تاکنون چهار جنس از

کرونا ویروسها به نامهای آلفا، بتا، گاما و دلتا شناسایی شده و کرونا ویروس مرس در جنس بتا کرونا ویروس از زیر خانواده کرونا ویروس قرار گرفته است (ماهد و همکاران، ۲۰۱۶).

فرضیه

سیاست‌های موجود در جامعه موجب تغییر در رفتار سیاسی کلیت جامعه شامل مردم خواهد شد.

سیاست‌های اعمال شده در زمان کرونا موجب شده است جامعه بیش از گذشته منزوی شود و خود را از سیاست‌های موجود در جامعه کنار بکشد.

بین سیاست‌های اعمال شده توسط سیاستگذاران و رفتار سیاسی جامعه، ارتباط وجود دارد و گزینه مرگ در این بین نقش میانجی را ایفا می‌کند به این معنا که موجب تسهیل تغییر رفتار سیاسی جامعه خواهد شد.

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روشی به‌منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های فرستنده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام است و برای تجزیه و تحلیل عینی و منظم پیام‌های مختلفی که از طرق گوناگون مبادله می‌شود به کار می‌رود. آنچه در این تعریف اهمیت دارد شروط عینیت، انتظام و عمومیت است. عینیت به این معنی است که هر مرحله از فرایند پژوهش باید بر اساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام گیرد. انتظام به این معنی است که دایره شمول محتوا باید بر طبق قواعد کاربردی ثابتی مشخص گردد. این شرط آشکارا، تحلیل‌هایی را که فقط به دنبال جمع‌آوری داده‌های تائید کننده فرضیه‌های پژوهشگر هستند طرد می‌کند. و عمومیت به این معنی است که یافته‌ها ارتباط نظری باهم داشته باشند، اطلاعات توصیفی صرف درباره محتوا، بدون ارتباط با دیگر ویژگی‌های اسناد یا خصوصیات فرستنده و گیرنده پیام، ارزش چندانی ندارد.

چارچوب نظری

الف. رفتار سیاسی

رفتارهای سیاسی مجموعه فعالیت‌هایی هستند که انجام آن‌ها به عنوان جزئی از نقش رسمی یک فرد در یک سازمان یا جامعه لازم نیستند اما این دسته از فعالیت‌ها موجب

توزیع مزایا یا محرومیت‌ها در سازمان اعمال نفوذ می‌کنند یا تلاش می‌کنند اعمال نفوذ کنند (بوالحسنی، ۱۳۹۳).

رفتارهای سیاسی دارای دو بعد هستند یعنی یا در جهت رسیدن به اهداف شخصی هستند یا در فرایند طبیعی تصمیم‌گیری در سازمان ایجاد می‌شوند. در بعد اول معنایی از واژه سیاست به ذهن انسان متبادر می‌شود چرا که فرد برای رسیدن به اهداف خود این رفتارها را انجام می‌دهد و بعضاً در این راستا از فریب دیگران هم استفاده می‌شود. در بعد دوم با جهتی مثبت از رفتار سیاسی مواجه خواهید بود. از این سو رفتارهای سیاسی هر گونه رفتار و عملکردی که جهت حل اختلافات، تعارضات و تضادهای سازمانی انجام می‌شود، این رفتارها نظیر تشکیل ائتلاف یا گفتگو می‌باشند (بهرامی، داستانی و پورامینی، ۱۳۹۵).

آن دسته از فعالیت‌هایی که به عنوان بخشی از نقش رسمی در سازمان ضرورت ندارد ولی در امر توزیع مزایا و کاستیهای درون سازمانی اعمال نفوذ می‌نمایند (یا در صدد اعمال نفوذ کردن بر می‌آیند). این تعریف در برگیرنده ارکان یا عوامل اصلی می‌شود که مورد نظر بیشتر کسانی است که درباره سیاستهای سازمانی صحبت می‌کنند. رفتار سیاسی در خارج از شرایط کار خاصی که باید انجام شود، قرار می‌گیرد. این رفتار مستلزم نوعی تلاش در جهت استفاده نمودن از پایگاههای قدرت فرد می‌شود. فراتر اینکه، تعریف مزبور در برگیرنده تلاشهایی می‌شود که به هنگام تصمیم‌گیری، بر هدفها، شاخصها و ملاکها یا فرآیندها اثر می‌گذارند، البته هنگامی که گفته می‌شود سیاست مربوط به "توزیع مزایا و کاستیهای درون سازمانی است". دامنه تعریف مزبور بدان حد گسترده است که شامل رفتارهای مختلف سیاسی زیر می‌شود:

- ندادن اطلاعات اساسی به تصمیم‌گیرندگان
- شایعه پراکنی
- لا ابا لیگری به هنگام کار
- نشنیدن اطلاعات محرمانه درباره فعالیت‌های سازمان و افتادن آن به دست رسانه‌های گروهی

• پارتی بازی یا داد و ستدهای درون سازمانی که به نفع طرفین صورت می‌گیرد

• به نفع یا علیه شخص خاصی رای دادن یا میانجی گری (رابینز، ۱۳۷۴)

نقش دانشمندان علوم سیاسی در زمینه درک رفتار سازمانی اهمیت زیادی دارد اگر چه تاکنون به آن توجه نشده است. دانشمندان علوم سیاسی رفتار افراد و گروهها را حول محور سیاسی مورد مطالعه قرار می دهند. موضوعهای ویژه ای که در این زمینه مورد مطالعه قرار می گیرد عبارتند از: شالوده و زیربنای تعارض، توزیع قدرت و شیوه ای که افراد از قدرت به نفع فردی خود استفاده میکنند. در رفتار سازمانی اصولی فراگیر وجود ندارد. رفتار افراد مختلف در شرایط یکسان متفاوت است حتی یک فرد در شرایط متفاوت رفتارهای مختلفی را از خود نشان می دهد. برای مثال، پول موجب تحریک همه کس نمی شود و رفتار یک فرد در یک مراسم مذهبی و در یک جشن متفاوت است ولی این بدان معنی نیست که از پیش بینی ها عاجز بمانیم. این بدان معنی است که مفاهیم رفتار سازمانی باید منعکس کننده اوضاع یا شرایط احتمالی باشد. مدیران باید در هر مقطع با توجه به موقعیت تصمیم بگیرند و اطلاعات را در تصمیم خود دخالت دهند.

یکی از جالبترین واقعتهای سیاست در سازمان، ماهیت دو جانبه بودن آن است. این قرارداد کلامی یا غیر کلامی، که «اگر به من کمک کنی به تو کمک خواهم کرد» شالوده پایگاه قدرت سیاسی را تا زمانی شکل می دهد که طرفین به طور مستقیم با هم دشمنی نکنند. صاحب نظران بر این باورند که رفتارهای سیاسی اکتسابی است و در آغاز ممکن است مغایر با توجیحات رفتاری فرد باشد. ولی هنگامی که وی را از این تاکتیکها بر حذر می دارند، آنها رابه کار خواهد برد.

توان و علاقه به نشان دادن رفتار سیاسی از خود و اعمال قدرت و نفوذ را ظرفیت سیاسی نامند. برخی بیان می دارند که مجموع قدرت و نفوذ فرد، بیانگر ظرفیت سیاسی وی برای اقدام سیاسی است هر چند که سبک قدرت و نفوذ متفاوت اند ولی استفاده از رفتار دیگران در قلب رفتار سیاسی قرار دارد. استفاده سیاسی از دیگران، می تواند بر اساس قدرت یا نفوذ باشد و در نتیجه منفی یا مثبت خواهد بود. چهار شکل استفاده سیاسی از دیگران، عبارتند از: ایجاد انگیزه، تشویق، ایجاد الزام اخلاقی و سرکوب. در این میان تشویق ملایمترین و سرکوب خشنترین شکل آنهاست (رضائیان، ۱۳۸۳).

در ارتباط با ظرفیت سیاسی، بحث مهارت‌های سیاسی مطرح می‌شود که هم ذاتی است و هم اکتسابی. بنابراین افراد می‌توانند از راه ارتقای مهارت‌های سیاسی خود، قدرت و نفوذ خود را نیز در سازمان افزایش داده و به هدف‌های مورد نظر خود دست یابند. در ادامه این مقاله، مختصری نیز در ارتباط با مهارت‌های سیاسی و ویژگی‌های آن بحث می‌شود.

رفتار سیاسی هم از ویژگی‌های خود افراد ناشی می‌شود مانند فردی که در سازمان نیاز شدیدی به قدرت و آزادی عمل و امنیت و مقام اداری داشته باشد تلاش می‌کند به رفتار سیاسی متوسل شود و هم از عوامل سازمانی، هنگامی که منابع سازمانی رو به کاهش می‌رود یا زمانی که الگوهای موجود منابع در حال تغییر باشد به احتمال قوی رفتارهای مشخص سیاسی بروز خواهد کرد. یک ضرب‌المثل ترکی می‌گوید: یئر یرک گاو از گاو می‌بیند (در وضع دشوار افراد به همدیگر سوء زن پیدا می‌کنند). بعضی از کارکنان شیوه‌های مختلفی را در تسخیر احساسات مدیران و رؤسای خود به کار می‌بندند. از توصیف و خودستایی و تایید نظر و بله قربان گرفته تا دعوت به شام و سینما و مسافرت و کوه و ... کارمندی که با دعوت از رئیس تازه کار خود به ضیافت شام و گرفتن هدیه ای برای او، همسرش را در آن سازمان به استخدام در آورده و به کرات از مزایای مادی متعددی بهره مند می‌شود نمونه ای از شیوه تسخیر احساسات مدیران است. نتیجه اینکه چنانچه اگر افراد بدون تخصص در تامین خواسته‌های شخصی خودشان دست به چنین رفتارهایی بزنند بی‌شک آثار مخربی بر سازمان‌های جامعه می‌گذارند و باعث رشد فساد اداری در سازمان شده و روحیه افراد کارآمد به شدت افت پیدا می‌کند. لذا بهتر است مدیران ضمن هوشیاری و با ایجاد ارتباط‌های آشکار و کاهش عدم اطمینان و درک واقعیت‌های سیاست و قدرت اثرات رفتارهای سیاسی منفی را محدود و نقش ماکیا ولی‌های معاصر را کمرنگ نمایند در غیر این صورت شاهد سقوط خود خواهند بود بدون آنکه به علت آن پی ببرند (رابینز، ۱۳۷۴).

عوامل موثر در رفتار سیاسی

تحقیقی که به تازگی انجام شده نشان می‌دهد که تعدادی از عوامل در صحنه تدوین رفتار سیاسی نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند. برخی از آنها ویژگی‌های فردی هستند و در خصوصیات افرادی ریشه دارند که به استخدام سازمان در می‌آیند و تعدادی هم در

سایه وجود فرهنگ سازمانی یا محیط داخلی سازمانی یا محیط داخلی سازمان به وجود می آیند. این عوامل عبارتند از :

۱. ویژگیهای فردی

در سطح فردی، پژوهشگران ویژگیهای مشخصی را شناسایی کرده اند (مثل نیازها و سایر عوامل فردی) که به احتمال زیاد با رفتار سیاسی در ارتباط اند (رضائیان، ۱۳۹۰).

۲. عوامل سازمانی

احتمالا فعالیت سیاسی از ویژگیهای سازمان است (و نه متغیرهای متفاوت فردی). زیرا بیشتر سازمانها تعداد زیادی از افراد را در استخدام خود دارند که دارای ویژگیهای فردی (بدان گونه که ما فهرست کردیم) هستند ولی نوع رفتار سیاسی موجود در سازمان بسیار متفاوت است.

۳. تسخیر احساسات

مردم همواره به پنداشت و قضاوت دیگران درباره خود توجه می کنند و به آن اهمیت می دهند (رضائیان، ۱۳۹۰).

۴. ابعاد رفتار سیاسی

مشروع : همان سیاستهای عادی روزانه است که در سازمانها به چشم می خورد مانند شکایت کردن به رئیس، عدم رعایت سلسله مراتب سازمانی، تشکیل ائتلاف، سخت گیری و زیاده روی در مقررات، سد نمودن راه خط مشی ها و سیاستهای سازمانی و ایجاد موانع بر سر راه تصمیمات، تماس با افراد ذی نفوذ خارج از سازمان و برقراری ارتباط با آنان.

نامشروع: رفتار سیاسی نامشروع آنهایی هستند که بوسیله آن قوانین و مقررات مربوطه نقض می شوند و اینکارها را اخلاصگری می نامند. به عنوان مثال ایجاد اغتشاش، لابلایگری به هنگام کار، اعتراض های نمادین مثل نپوشیدن لباس کار و یا درخواستهای گروهی برای مرخصی. (رابینز، ۱۳۷۴).

ب. گزینه مرگ فروید

فروید تا ۱۹۱۴ از ایده های اولیه خود در مورد تمایلات سرکوب شده به سمت تئوری غرایز که سابق های آگو و لیبدو دو قطب آن را تشکیل می دهند حرکت نمود. اما مسایلی بودند که به راحتی در این شمایی که ساخته بود جای می گرفتند. یکی از آنها مفهوم خود شیفتگی و اینکه به کجا تعلق دارد بود. از آنجا که مفهوم عشق در آن مطرح است باید به لیبدو تعلق داشته باشد اما اثر عملی آن، آنرا به آگو نزدیک و مرتبط می کند چون گرایش به حفاظت و حتی بزرگ نمایی فرد دارد. رفتار سادیستیک مشکل دیگر بود. در اینجا عنصر لیبدو آشکار است اما چگونه جنبه ستیزه جویانه و خصمانه سادیسیم قابل تطبیق با انگیزه عشق است؟ و زمانی که علل عقلانی جنگ جهانی اول مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند سئوالات دیگری نیز مطرح شدند. در نتیجه فروید در حد فاصل ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۶ به یک بازنگری بزرگ در تئوریهای خویش دست زد (دولوز، ۱۳۸۴)..

او تجدید نظری سازمان یافته در مورد غرایز انجام داد. فروید به غرایز به عنوان یک منبع درونی تحریک ذهنی می نگریست اما نه به صورتی که موجب یک اثر آنی و زودگذر شود بلکه اثر آن مداوم و پیوسته است. یک غریزه بنابراین چهار جنبه دارد: منبع، هدف، موضوع و نیروی محرکه.

منبع عبارت است از روند بدنی که ایجاد تهییج می کند، هدف، ارضای غریزه است. موضوع چیزی است که این ارضا توسط وی صورت می گیرد و نیروی محرکه نیرویی است که در پشت غریزه وجود دارد. فروید همچنین به قابلیت انعطاف و تغییر شکل راههایی که غرایز می توانند خود را نشان دهند اشاره می کند. یک غریزه می تواند دچار والایش شود مانند زمانی که کنجکاوای فرد (که در واقع ماهیت جنسی دارد) به سمت تحقیقات علمی متوجه می شود و یا در واکنش سازی، عشق و ترحم به صورت ناخودآگاه پوششی برای پنهان کردن خصومت هستند. در مواردی غریزه به سمت خود فرد برمی گردد ما قبلاً مثالی در این مورد درباره خودشیفتگی اسکیزوفرنیا ارائه دادیم. اما خصومت و عشق می توانند به سوی خود فرد متوجه شوند و باعث علایم بدنی و روانی گردند. فروید افسردگی را از این دیدگاه بررسی کرد. حتی یک اتفاق ساده مانند بریدن صورت به هنگام زدن ریش می تواند به عنوان یک عمل خود مکافات دهی بر اساس نظریه جبر روانی ارزیابی شود. سازوکار دفاعی دیگر یعنی سرکوبی در تئوری

فروید، اهمیت زیادی دارد. در اوایل این یک مفهوم بنیادی بود اما بعد در کنار سایر ساز و کارهای دفاعی قرار گرفت، اما هنوز هستند کسانی که اعتقاد دارند که این مکانیسم پایه و اساس تمام مکانیسم های دفاعی دیگر است .

در دو اثر مهم که در ۱۹۱۵ منتشر شدند، فروید هنوز مشغول حل تضاد میان آگو، لیبیدو، لذت، درد و تناقض هایی بود که در چارچوب فرضیه وی جای نمی گرفتند. بالاخره در ۱۹۲۰ او قدم بزرگی در حل این مسئله برداشت. او چنین استدلال کرد که گزینه های صیانت ذات و بقای نسل اگر چه اهداف فوری متفاوتی دارند هر دو در نهایت به سمت رشد و زندگی جهت گیری شده اند و هر دوی آن ها را در چارچوب گزینه زندگی طبقه بندی کرد و سپس این سؤال را مطرح می کند که چه چیز ما را بر آن می دارد که در خلاف جهت آن عمل کنیم. او در اینجا به گزینه مرگ اشاره می کند.

از آنجا که زندگی از حالتی بی جان برخاسته، موجود زنده تمایل به بازگشت به همان حالت اولیه خود دارد. باید یک تمایل بنیادی و ناخودآگاه به سوی مرگ از آغاز تا پایان زندگی موجود باشد. در تأیید گفته های خویش در مورد گزینه مرگ به پدیده تکرار در رفتارهای انسان و مفهوم تکرار وسواس گونه اشاره می کند. هرگاه گزینه مرگ وجود داشته باشد باید خود را در احساسات و رفتار بشر نشان دهد. اینجا فروید از خودشیفتگی مثال می آورد. همانطور که لیبیدو در درون موجود ایجاد شده اما خود را به موضوع خارجی متصل می کند همین مطلب در مورد گزینه مرگ نیز صادق است. این پدیده بیشتر اوقات خود را نه به صورت تمایل به مردن بلکه به شکل تمایل برای کشتن نشان می دهد و یافتن چیزی در خارج برای تخریب، لزوم از بین بردن خود شخص را منتفی می کند اما زمانی که در این تهاجم به سمت خارج با شکست مواجه شود به سوی خود فرد متوجه می شود که به صورت گرایش به خودکشی محدود نشده بلکه انواع ملایم تر خشونت چه هنگامی که به سمت خارج متوجه اند و یا به سمت درون، فرد را برمی گیرد و خود کیفر دهی و محکوم کردن خود و چشم و هم چشمی و سرکشی در مقابل مرجع قدرت را شامل می شود(دولوز، ۱۳۸۴).

نتیجه گیری

بحران کرونا امروزه تأثیرات عمیقی بر زندگی بشریت نهاده است. به نحوی که در هر جنبه از زندگی می‌توان آثار آن را مشاهده نمود. زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بشر به شدت متأثر از این وضعیت است و نمی‌توان این امر را کتمان نمود. در این بین بعد سیاسی به این علت که سایر جنبه‌ها را زیرمجموعه خود قرار می‌دهد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. اقتصاد یک جامعه و وضعیت اجتماعی مردم متأثر از تصمیماتی است که در سیاست اتخاذ می‌شود. در دوران کرونا نیز در این زمینه‌ها سیاست‌هایی اجرایی شدند که بر رفتار مردم موثر واقع شدند. از جمله اعمال طرح قرنطینه که موجب ایجاد محدودیت در روابط بین مردم شد. مردم در این شرایط بیش از گذشته منزوی شدند و از امور اجتماعی و سیاسی کناره‌گیری کردند. این نحوه برخورد مردم با سیاست‌ها موجب شد که رفتار سیاسی مهم بنظر برسد.

رفتار سیاسی عاملی است که بنابر شرایط تغییر می‌کند. در واقع اگر در هر لحظه یک موقعیت خاص ایجاد شود، رفتار سیاسی نیز به سرعت تغییر می‌کند. شاید اگر در همین زمان اعلام شود که بحران کرونا از بین رفته است و محدودیت‌ها برداشته شده، مردم رفتار کاملاً متفاوتی ارائه دهند.

به طور کل سیاست‌هایی که در زمان کرونا تنظیم شده است، بشریت را به طور کل منزوی و در خود مانده کرده است. این وضعیت در جامعه ایران تشدید شده و خود را بیشتر نشان داده است. مردم بیش از گذشته از سیاست و جامعه فاصله گرفته‌اند و خود را نسبت به امور بی‌تفاوت نشان می‌دهند. هر فرد تنها به دنبال این است که جان خود و افراد خانواده را نجات دهد و این موجب فردگرایی در جامعه شده است. در نتیجه این امر نمی‌توان انتظار داشت که سیاست‌های طرح شده بتوانند انسجام را در جامعه ایجاد کنند بلکه بلعکس نظم و انسجام موجود در جامعه کاهش یافته است.

تا به اینجا مشخص شد که بین رفتار سیاسی جامعه و بحران کرونا ارتباط وجود دارد. حال نکته اساسی این است که در این بین عواملی وجود دارند که این ارتباط را تسهیل می‌کنند. یکی از این عوامل را می‌توان بر اساس غریزه مرگ فروید توجیه کرد. در غریزه مرگ فروید بیان شده است که انسان میل به مرگ یا اموری دارد که وی را به مرگ نزدیک کند یا تجلی گر مرگ باشد. سیاست‌های کرونا که موجب جدایی انسان‌ها

از یکدیگر شده است، یکی از نشانه‌های گرایش انسان به گزینه مرگ است. در واقع انسان با این رفتار خود، به سمت مرگ در حال حرکت است.

در نتیجه می‌توان بیان کرد که بین رفتار سیاسی افراد و بحران کرونا ارتباط وجود دارد و گزینه مرگ در این بین نقش میانجی را ایفا می‌کند.



فهرست منابع

۱. بهرامی، حمیدرضا؛ داستانیف معصومه و پورامینیف زهرا(۱۳۹۵)، رابطه امنیت شغلی با رفتار سیاسی با نقش میانجی رفتار شهروندی سازمانی، نشریه خط مشی گذاری عمومی در مدیریت، ۲۳(۱)، صص ۱۵-۳۲.
۲. پیشوائی، مهدی(۱۳۹۹)، بحران ویروس کرونا، فلسفه و کلام، ۷۰۹، صص ۵-۶.
۳. حاجی ده ابادی، محمدعلی(۱۳۹۹)، از بحران کرونا تا سیاست جنایی، حقوق اسلامی، ۶۴(۱)، صص ۱۵۳-۱۳۱.
۴. دولوز، ژیل(۱۳۸۴)، غریزه مرگ، مترجم: مراد فرهادپور. نشریه ارغنون، ۲۶(۱)ف صص ۴۳۶-۴۲۷.
۵. رضایان، علی(۱۳۹۰).مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان.سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها .
۶. فراهتی، مهرزاد(۱۳۹۹)، پیامدهای روان‌شناختی شیوع ویروس کرونا در جامعه، ارزیابی تاثیرات اجتماعی، ۲۱(۲)، صص ۲۲۵-۲۰۷.
۷. فیروزآبادی، علی(۱۳۹۸)، روانکاوی در گذر زمان، شیراز: نشر نوید.
۸. کاتبی، دانا(۱۳۹۹)، بررسی اثرات کرونا ویروس بر جنبه‌های مختلف اقتصاد ایران، بازار و سرمایه، ۱۱۳، صص ۳۰-۳۲.
۹. محدث اردبیلی، ابوالفضل؛ جوادیان، سمیه؛ ازادمنش، مصطفی و مکیان، امیر(۱۳۹۸)، کرونا(تعارف و پیامدها)، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۲۳، صص ۱۵۰-۱۴۵.
۱۰. محمدی، مهران(۱۳۹۸)، اقتصاد، ۱۷۴، صص ۱-۳.
۱۱. نوحی، شهناز؛ میرحسینی، حسین؛ جان بزرگی، مسعود و همکاران(۱۳۹۹)، مطالعات اسلام و روانشناسی، ۲۶، صص ۴۲-۲۹.
12. Cao, Z. Estimating the effective reproduction number of the 2019-nCoV in China. medRxiv 2020. Chung MY, Cha KS, Cho OH. Correlation between self-esteem, death anxiety, and spiritual wellbeing in Korean University students. Korean J Adult Nurs. 2015; 27(3):367-74.
13. Mihd H ,Tawfiq J A ,Memish Z A (2016) Middle east respiratory syndrome coronavirus (mers-cov)origin and animal reservoir ;13 (1)
14. Huang Y, Zhao N. (2020). Generalized anxiety disorder, depressive symptoms and sleep quality during COVID-19 epidemic in China: a web-based crosssectional survey. <https://doi.org/10.1101/2020.02.19.20025395>
15. Nishiura, H.(2020). The Rate of Under ascertainment of Novel Coronavirus(2019-nCoV) Infection: Estimation Using Japanese Passengers Data on Evacuation Flights. J. Clin. Med, 9, 419.

16. Shukla, P. & Rishi, P. (2017). A Correlational Study of Psychosocial & Spiritual Well Being and Death Anxiety among Advanced Stage Cancer Patients. *American Journal of Applied Psychology*, 2(3), pp. 59-65.

17. Zhong B, Lou W, Li H, Zhang Q, Liu X, Li W, Li Y. (2020). Knowledge, attitudes, and practices towards COVID-19 among Chinese residents during the rapid rise period of the COVID-19 outbreak: a quick online cross-sectional survey. *International Journal of Biological Sciences*, 16(10): 1745-1752.

